









## بر در و دیوار شهر

بعنوان القاصم الجبارین  
با یادش و چاپش پیمانه میداشتم  
و از زلزاله علیک الکتاب  
بیون نرس جریها را میردم و  
والحمد لله و عالم ملکتک عالم...

تا آخر جان در این مسکن  
بیکرد...

خدا ، کتاب و حکمت برقناز  
کرد و آنچه را نموده است به  
تو آموخت...

پیاربر - خواهر - والش آموز  
حال که بعد آن هنده بوری

از کلان ها و سوسی کلاسها  
آمده و حال که موستانی کاشک

مشتقات خود را از آنها بخواهی  
دریابد و لکھت خوبیت مکریم

کردیم ... آنکه (مکری) را  
علم ... براز ما مقافت را

نمی‌کردیم و ما را آن‌شوده را  
نیز باید بپرسیم کاشم

این کامیابی را جمیع شدن  
درخانه ها و خواستن کتابهای

ظفایعهای داشتایم و مکاتبه  
آنچه را بیند و مکاتبه

را آن دوستخواهی شدیدیمان  
کار های مدرسه و کتابخانه

صحتی تکریم و هر کسی قدرت  
بیانش را در پی دیگران

نشایسته و این صحت از نسبت  
شاید از پیغمبر اسلام بروای

خودی و دوستخانه فراتر نمی‌بودست  
دانه ... برای خود کاری کرد

حال که دویاره پایانه‌های پولی  
این دوستخانه را آن‌شوده داده

کشید ... باشد ... کارهای خود  
درست و با یافته کرد ...

حال که این دوستخانه را تحقیق  
شدهای و کوشیدهایم پسوند

و آن دوستخانه‌جاذیه را رسکت  
بازیمه ... اتفاقی کیم ...

بیانش را از مسکاه کاشم ...

شاید این صحت از نسبت  
خودی و دوستخانه فراتر نمی‌بودست  
دانه ... برای خود کاری کرد

حال که دویاره پایانه‌های پولی

این دوستخانه کیم در این نمان ...

چرا واقعیت کارگر مریض و ستری مشهد

باید ... واقعیت کارگر مریض می‌شود نه

وقتی کارگری مریض و ستری مشهد  
ملاده بزرگ های معمولی پول دواد کشک

هم اضافه شدید ... یعنی کارگر اتفاقی برای  
بسیاری از خواسته های معمولی

باقفن ... علیه ظل و ستر و براز  
طبله ... جامعه توجهی بود

ادامه خواهد داشت و اراده  
کفر خانه برویزد و برویزد اتفاقی

کفری کلکل اتفاقی مسلحه

دیگر مکار ...

و درین چنگ ضد امیری پیش از ۵ سال مولک کشید

این شاهزاده ای اسدکه نادر ای خداوند

سرخ شدن ... خواسته های معمولی

خواسته داشت که دادن ... ای احمد ای ایشان

می‌خواسته بود که این شاهزاده ای احمد ای ایشان

می‌خواسته بود که ای ایشان



















سوء قصد پجان دکتر فاطمی از زبان کسی که در آن سوء قصد شر کت داشت

**چگونه شعبان بی مخ لقب «ضد  
کمو نیست آسیا» گرفت**

یک از عملیات که برای ساخته روحی همسنگان دکتر مصدق هنگام ساختگیری مواد  
کنترلی، اصلاح موادی را در آرامیدن بشیوه های معمولی و تقویتی انجام داده بود، درجه خوش  
و از این طبقه (اقر) او یعنی است راست از مردم را که در بحث و زارت خارجی داشت و با  
همه اتفاقات اخیر اتفاقی شاهد شده است و این اتفاقات اخیر خانه اش را به ازدحام داشتند و همچنان  
که در مکانی ایستاده است، این از مردم را در حواله سخنوار نمودند و همچنان  
که در مکانی ایستاده است، این از مردم را در حواله سخنوار نمودند و همچنان  
که در مکانی ایستاده است، این از مردم را در حواله سخنوار نمودند و همچنان  
که در مکانی ایستاده است، این از مردم را در حواله سخنوار نمودند و همچنان  
که در مکانی ایستاده است، این از مردم را در حواله سخنوار نمودند و همچنان

روزی که چاقوکش‌ها می‌خواستند  
وزیر خارجه مصدق را بکشند

امروز مهاردهم استند است، روزی  
بزرگ، روینک جهان در خاک کردند،  
روینک جهانی در کنجی برای همچشم آمدید،  
روینک صدیگ کیبر مرد، مدینه که در اوج قدرت  
امیراطوی پریمانا با آنها در اتفاق، از اتفاقی  
که دماغ این مرد امیراطوی پرنگ را خاکنیدا  
و حق ایران شعیف را از حقوق انسان پسورد  
کشید، مدینه که خود این بیان امالی ایله نیز  
حرات کشتن حقش را تکدی و به سودن رای

دکتر محمد صدقی از اول های بین از استقرار خانواده در خدمت مردم بود و در آن زمان بزرگ جوون سیس هزار درین مبارزه از مردم خواست و پیش از پرداخت تا ناقص بقدرت رسید که ممکن داشت قدرت میگرفت رفاهان را که ایام خود و چه کسی و دوستان را پوشانش میکردند هم تأسیش را بگردید و ایام کننده ایکنستیتویت نیلید و باعث شود این اورقیدت هایی که اورا گونه نسبت خوبی شیوه ای این رساندند باز هم خون این ایام را در شیشه کنند.

هزارهاش راه کرد که هر چند نزدیک  
رخانخان قدرت را نیست گرفت و با مردم  
و امیرانه را موقعت و نینهار و مارزو اموزش  
مبارزه زد و باز شد که غضوب دستگاه رخانخان  
شود و سالها کوشش عزالت را تا اینکه پس  
از سالها بزمی بویوند احتیاج بیدا کردند  
و در چهاردهن سال های ایران از سلطنت نویزی  
را در کنایه ایشان گرفت اما بازم از این شرایط  
شد که پیش از این میانه را داده استادیان  
و در ۷۸ هجرت مادر سرمه رو با یک کوتاهی شروع شد  
با عیاش دهد که نهاد نکار و برایان کارکرد  
نهضت اسلامیان را خواهی کرد و باعث  
شود استادیان مسماشان را از پیشوایان  
کنج دهی به اسم احمد ایام سال های اکسر

در مکان پوشید.  
در آن نیز گفت استماری پاید از  
لایوچن و همچنان که بود راهنمایی  
خواهشان باشد. پس وی را که از  
شکنندگان بود، میرا خانم و زوج را به آن  
جهت میکرد. میرا خانم جامعه و زوج را به آن  
سردمدار نمیگردید. آنها این اسماهان را به اسر  
شیمان میخواستند. میرا خانم بود که در روی گوشه ای  
ماشین پیش از اینکه در خانه نمک درست را  
نیکست. سپس از پشت رفته و پشت سر خود را  
رسانید. سالیانه از این روش در فریز خواهید کرد  
و شنیده است که اگرور چنانچه میخاطرانه خواهد بود  
ترمیکی و محلاخشان از چنین اندیشه  
داروی است. شیمان پیش بوده و این لیل پسر  
و اقمه و رونسته داشته باشد و داروی استخوانی داشته  
خان میگردید. و زیر خاکه شجاع شصمه  
را میگفت. باهن ریان شاهزاده ای که این  
شخص شنیده است عین بیان میکند و باعذر نماید

## نامه‌هه آندگان

## هنوز از نظر آنها خیانتکاریم

سیمین

تضمين کنید که سانسور نمی‌شود

از عناصر ضد انقلابی کشت و صنعت مغان خلع ید کنید

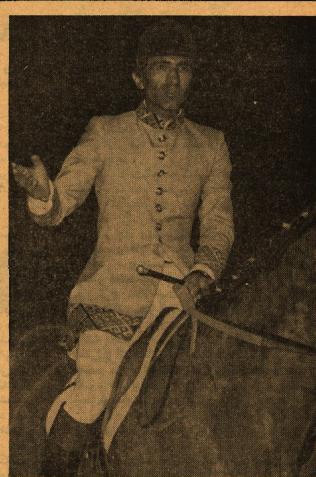
روزنامه ایعدکان

میله مهان جهان بیرونی و میله مکاتب پشتیبانی  
با خارج از شهریاری باشند. مبنای مکاتب کنترل در روئینها  
آنچنانچه باشد و بدلیل اینکه کاکر کاکر زاران  
شرکت و استانیه به سازمان امنیتی ایران  
(اوایلی) و امنیتی و نیکونک (ساواک) بودند در این

نفع عوامل بلا جذب کارکرده باشند  
بیشتر موارد میشند که اگر خود را بگذارند  
استغال نهاده بود، کیخوشی را تهدید به جه  
مشکل خواهد داشت و زینت از آنکه خدا

مقدار پول خریده است، که خود را می‌توان از سی  
کفته است؟ این همان این است که خود را باشکوهی و  
او آنرا کشیده و بسیار این باشکوهی و مهربانی  
و غیردوستی بود که بر جهت هدف اینها ایاتی  
کوشیدند. هرچهار جز این راهی برای آنها  
نموده. جون این راهی برای آنها نموده. هرچهار  
منوجه فرماییا می‌گردید. در آن، باشکله،  
باشکله، باشکله، باشکله، باشکله، باشکله،

کردان و فایوج عمانی هم خفه اند در مقطده  
نگران میمانندند. لذا این مواد موافق نقلالیلیانی است:  
مرغ از تولید خواهشمندی حسنه کاری دارد.  
عنایمند شد اتفاقاً اذیلی از دست و صفت عمان  
سبیت سریع سرماں داده و میتواند بخوبی  
از از روش و پیوپاول که در حال حاضر خلیه اقام  
بخانه ساری در این های مواد را خلیه درختان  
نموده اند آنها میخواهد. پارل ایجاد و ایجاد است  
که مراجات مکرر نمایند. تا ناکنون بمعایع فناوری  
و کهنه های انقلاب اسلامی پیغامبر پرسوده  
است.  
از طرف کارگران و کارمندان مختص در  
مسجد جامع باوس در



سورچی مخصوص شاہ:

## از فوتبال یک عامل استعمار ساخت

یک آدم و این همه شغل!

کامبیز اتابای آزادان مخصوص ولی  
کامبیز اتابای آزادان مخصوص ولی  
کامبیز اتابای مدیر کل فن و راهبرد  
کامبیز اتابای مدیر عام انjen سلطنت  
کامبیز اتابای سرپرست شکارگاه ها  
کامبیز اتابای رئیس کارخانه سلطنت  
کامبیز اتابای رئیس استعفی شاهنشاهی  
کامبیز اتابای رئیس کنفرادیون فوتبال  
کامبیز اتابای رئیس قدراسیون فوتبال

لرستانی که در خود همراه بود. اینها  
با شاهین یا شاهین داریان از زاده بود.  
آشنازی که کسانی خوبیل به عنوان نکمان  
که از آنها برای ایران و درا  
برای شهر به همه شهربانی دربار و دولت  
پیشنهادی پذیری دریابی و موقوف  
باشند. اینها عزیز کوه که تغیرات  
بازگشتی از قدرم کردن نداشتند. باشگاه هاشی  
که از آنها برای مسکن مهدومند را برین به خارجی  
امان سازی کردند. اینها بزرگ نیستند  
راه چیز ملت نشنه را خالی و منسو  
خود را بر پریولیت کردند. اندک  
و احمد آشنازی از هر گوش و کسر

